



# فهرست

۷

بخش اول: واژگان

۹ ..... Nationality :۱ درس ◀

۲۷ ..... My Week :۲ درس ◀

۵۳ ..... My Abilities :۳ درس ◀

۷۷ ..... My Health :۴ درس ◀

۹۷ ..... My City :۵ درس ◀

۱۲۱ ..... My Village :۶ درس ◀

۱۴۹ ..... My Hobbies :۷ درس ◀

۱۶۳

بخش دوم: گرامر

۱۸۹

بخش سوم: پاسخ‌نامه

۲۱۹

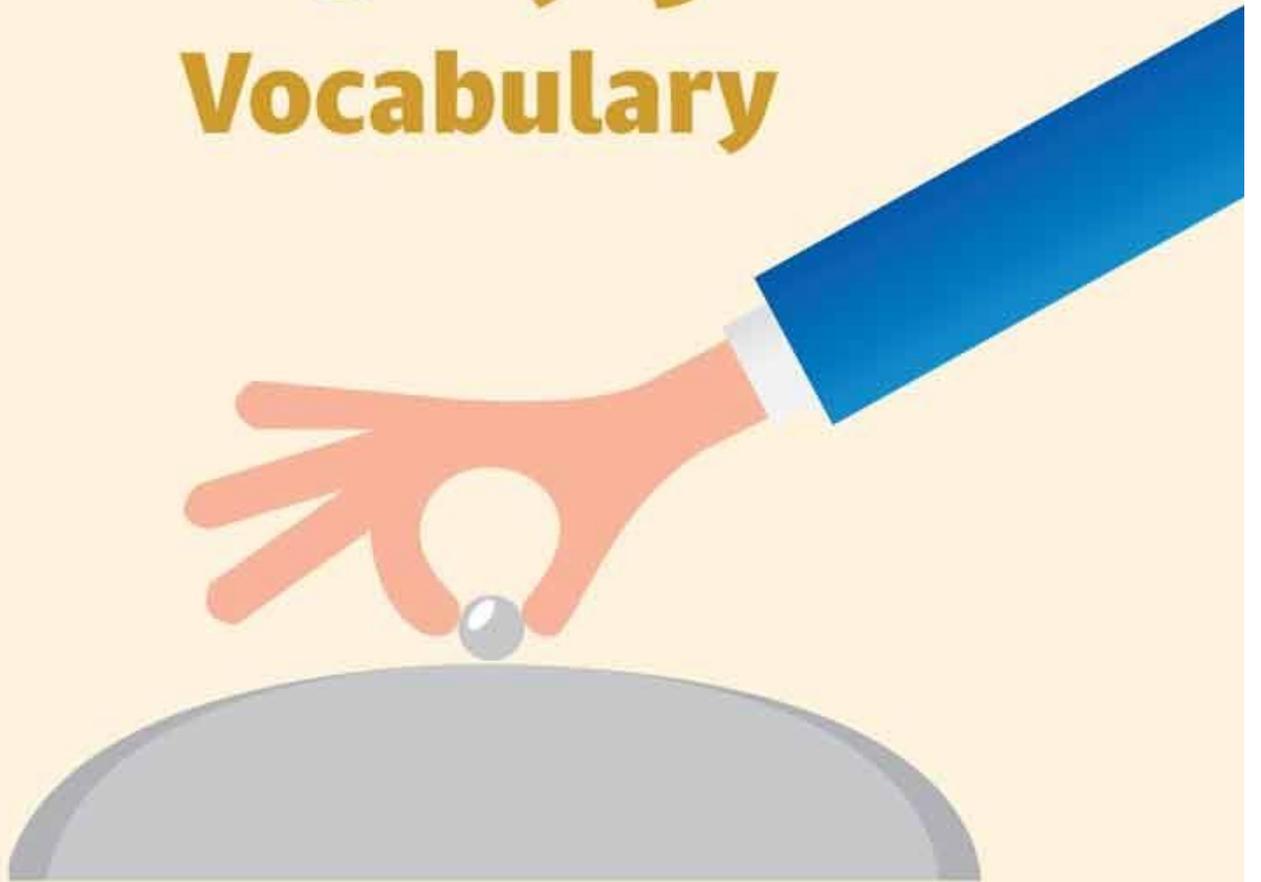
بخش چهارم: واژه‌نامهٔ الفبایی



بخش ۱

# واژگان

## Vocabulary



ل A c n n B 7 z r b x 0 3

16 Iran (Noun)

ایران

Are you from Iran?

آیا تو اهل ایران هستی؟



17 Iranian (Adjective)

ایرانی

Are they Iranian?

آیا آنها ایرانی هستند؟



18 welcome (Verb)

خوش آمدید

Welcome to Iran.

به ایران خوش آمدید.



19 how (Adverb)

چطور

How are you today?

امروز حالت چطور است؟



20 like (Verb) دوست داشتن، خوش آمدن از

I like my job.

من شغلم را دوست دارم.



با استفاده از کلمات داده شده، مکالمه زیر را کامل کنید.

Iran, originally, how, France, like, meet, live,  
speaks, welcome, French

A: Hi, this is my friend Tom. He **44** .....

English and a little **45** .....

B: Nice to meet you Tom.

C: Nice to **46** ..... you, too.

B: Where do you **47** ..... Tom?

C: I live in **48** ....., but I'm **49** ..... from  
England.

B: **50** ..... to our country. **51** ..... do you  
**52** ..... it in Iran?

C: I love it. **53** ..... is a great country.

در هر قسمت گزینه درست را انتخاب کنید.

**54** Are you ..... America?

a) on      b) from      c) to      d) at

کلمات به هم ریخته را مرتب کنید.

**55** anIr

**56** eetm

**57** kile

**58** woh

**59** emoclew

**60** nnairIa

21 **great** (Adjective)

عالی، بزرگ

We live in a great country.

ما در کشوری عالی زندگی می‌کنیم.

22 **love** (Verb)

عشق ورزیدن

I love Iran.

من عاشق ایران هستم.

23 **beautiful** (Adjective)

زیبا

She is very beautiful.

او خیلی زیباست.

24 **country** (Noun)

کشور

Iran is a beautiful country.

ایران یک کشور زیباست.

25 **China** (Noun)

چین

My father goes to China every year.

پدرم هر سال به چین می‌رود.



◀ برای هر تعریف لغت مناسب بنویسید.

**61** To like something very much or enjoy doing something very much.

**62** Very good!

◀ مترادف کلمه‌های زیر را بنویسید.

**63** love

**64** great

**65** beautiful

◀ جملات به هم ریخته را مرتب کنید.

**66** is / this / great / country / .

**67** very / is / country / a / Iran / beautiful / .

**68** China / like / how / do / it / you / in / ?

**69** from / friends / are / your / China / ?

**70** are / originally / they / China / from / .

26 Chinese (Adjective)

چینی

I love Chinese food.

من غذای چینی دوست دارم.



27 Spain (Noun)

اسپانیا

Is she from Spain?

آیا او اهل اسپانیاست؟



28 Spanish (Adjective)

اسپانیایی

His friends are not Spanish.

دوستان او اسپانیایی نیستند.



29 Brazil (Noun)

برزیل

I'm not from Brazil

من اهل برزیل نیستم.



30 Brazilian (Adjective)

برزیلی

He isn't Brazilian.

او برزیلی نیست.



با استفاده از کلمات داده شده ستون‌های زیر کامل کنید.

English, England, French, France, Iranian, Chinese,  
Iran, Spanish, Brazilian, China, Spain, Brazil

Country	Nationality
71 .....	77 .....
72 .....	78 .....
73 .....	79 .....
74 .....	80 .....
75 .....	81 .....
76 .....	82 .....

کلمه ناهماهنگ را در هر ردیف مشخص کنید.

83	French	Spain	Germany	England
84	French	Brazilian	Chinese	Iran
85	Iran	Spain	China	Tehran
86	English	Persian	France	British

در متن زیر پنج غلط املائی وجود دارد. زیر آنها خط بکشید و درست آنها را بنویسید.

I'm Chang Lee. I'm originaly Chinece, but I live in Iran.  
Iraneean people are grait. I like Tehran. It's a baeutiful city.

87 .....	88 .....
89 .....	90 .....
91 .....	

## Lesson

## 4

## My Health

## 1 health (Noun)

سلامتی

Good health, good life.

سلامتی خوب، زندگی خوب.



## 2 have / has (Verb)

داشتن

I have a pen.

من یک خودکار دارم.

Have

Has

## 3 headache (Noun)

سر درد

I have a headache.

من سر درد دارم.



## 4 sore eyes

چشم درد، سوزش چشم

She has sore eyes.

او چشم درد دارد.



## 5 should (Modal Verb)

باید

You should go home and relax.

تو باید به خانه بروی و استراحت کنی.

You should go home and relax.



◀ دیکته ناقص کلمات را کامل کنید.

1 he\_lth

2 ha\_e

3 head\_che

4 s\_re eyes

5 sho\_ld

◀ جملات به هم ریخته را مرتب کنید.

6 too / have / eyes / you / sore /.

7 a / have / I / headache /.

◀ با توجه به تصاویر جاهای خالی را پر کنید.

8 I have a .....



9 She has .....



**6 home** (Noun)

خانه

I should go home.

من باید به خانه بروم.

**7 rest** (Verb)

استراحت کردن

I want to rest.

من می‌خواهم استراحت کنم.

**8 more** (Adjective)

بیشتر، دیگر

We have one more class.

ما یک کلاس دیگر داریم.

**9 worry** (Verb)

نگران بودن

Don't worry.

نگران نباش.

**10 office** (Noun)

دفتر کار، اداره

I'm in my office.

من در دفتر کارم هستم.



◀ در متن زیر پنج غلط املایی وجود دارد. زیر آنها خط بکشید و درست آنها را بنویسید.

A: Hello teacher, I have a headacke and I have sowre eyes too. Can I go to the offece and call my parents? I know that we have one more class, but I should go home and reist.

B: Yes, you can. Don't worri.

10 .....

11 .....

12 .....

13 .....

14 .....

◀ جملات به هم ریخته را مرتب کنید.

15 class / one / more / have / we / .

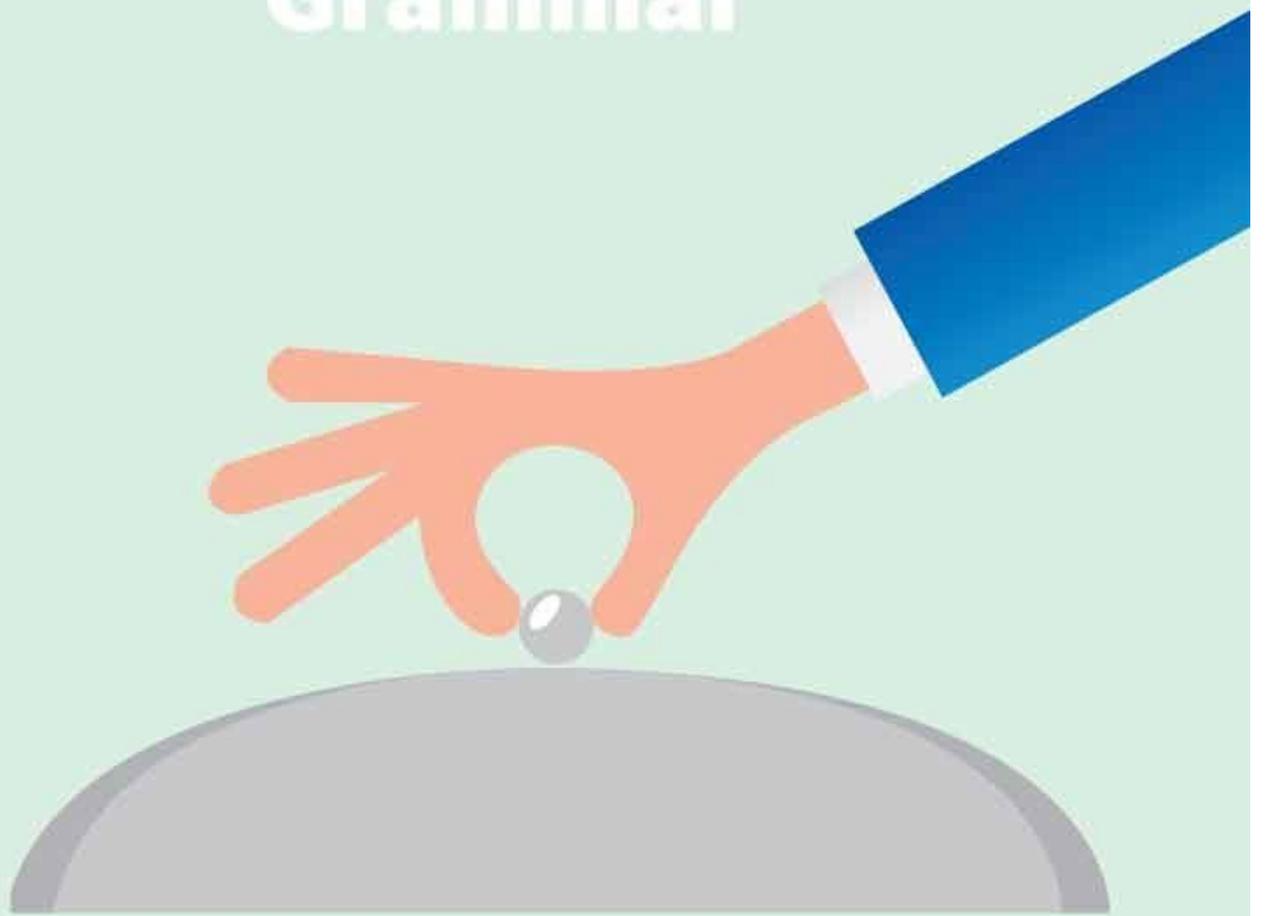
16 rest / go / you / and / should / home / .

17 office / go / the / let's / to / .

بخش ۲

# گرامر

## Grammar



لحان<sup>N</sup>ب<sup>N</sup>ز<sup>N</sup>خ<sup>N</sup>ش

## گرامر مقدماتی

### جمله

مجموعه‌ای به هم پیوسته از کلمات است که پیامی را بیان می‌کند. جمله در زبان انگلیسی به ترتیب از چپ به راست با ساختار زیر نوشته می‌شود:

قید زمان + قید مکان + مفعول + فعل + فاعل

**Example** They watch TV at home every night.

فاعل      فعل      مفعول      قید مکان      قید زمان

آنها هر شب در خانه تلویزیون تماشا می‌کنند.

### فاعل

به انجام‌دهنده کار فاعل می‌گویند که در جملات خبری در ابتدای جمله قرار می‌گیرد. فاعل می‌تواند به صورت ضمیر یا اسم به کار رود.

**مثال** علی آمد.

می‌توانیم به جای علی از ضمیر فاعلی استفاده کنیم و بنویسیم «او آمد».

### ضمایر فاعلی

ضمایر فاعلی به جای اسم می‌نشینند و از تکرار آن جلوگیری می‌کنند، این ضمایر عبارت‌اند از:

### نحوه سؤالی و منفی کردن زمان گذشته

برای سؤالی و منفی کردن این زمان از فعل کمکی did استفاده می شود. به این صورت که در حالت سؤالی "did" در ابتدای جمله می آید و در حالت منفی "didn't" قبل از فعل اصلی و بعد از فاعل قرار می گیرد. فقط توجه کنید، اگر جمله ای را با did سؤالی یا منفی کردید، فعل جمله باید از حالت گذشته خارج شود و به صورت ساده نوشته شود.

**Example** She worked hard yesterday.

او دیروز سخت کار کرد.

Did she work hard yesterday?

آیا او دیروز سخت کار کرد؟

She didn't work hard yesterday.

او دیروز سخت کار نکرد.

### نحوه سؤالی کردن با کلمات پرسشی (Wh questions)

① who (چه کسی؟)، what (چه چیزی؟):

به معنای «چه کسی، چه چیزی» هستند و اگر درباره فاعل جمله سؤال کنند، کافی است که آنها را به جای فاعل جمله قرار دهیم و فاعل را حذف کنیم. هیچ تغییر دیگری لازم نیست.

## نکات گرامری پایه هشتم

۱ برای پرسیدن ملیت یک شخص از الگوی زیر استفاده می‌کنیم:

Where + to be فعل + فاعل + from?

**Example** • Where are you from?

شما اهل کجا هستید؟

• Where is Ali from?

علی اهل کجاست؟

• Where are your friends from?

دوستان شما اهل کجا هستند؟

و برای پاسخ‌دهی به صورت زیر عمل می‌کنیم:

اگر در جمله سؤالی from به کار رفته بود، باید بعد از from اسم یک کشور را بیاوریم ولی بعد از am, is, are باید از ملیت استفاده کنیم.

**Example** • I am from Iran. / I am Iranian.

من اهل ایران هستم. / من ایرانی هستم.

• Ali is from Canada. / He is Canadian.

علی اهل کانادا است. / او کانادایی است.

• They are from England. / They are English.

آنها اهل انگلستان هستند. / آنها انگلیسی هستند.

- برای پرسیدن ملیت از جمله‌های پرسشی زیر نیز استفاده می‌شود که در این حالت با Yes و No، پاسخ می‌دهیم.  
به مثال‌های زیر دقت کنید:

**Example** • Are you from Iran?

آیا شما اهل ایران هستید؟

Yes, I am. I am from Iran.

بله، هستم. من اهل ایران هستم.

Yes, I am. I am Iranian.

بله، هستم. من ایرانی هستم.

- Is Ali Spanish?

آیا علی اسپانیایی است؟

No, he's not. He isn't Spanish.

نه، او نیست. او اسپانیایی نیست.

۲ برای سؤال پرسیدن دربارهٔ فعالیت‌های روزانه از الگوی زیر استفاده کنیم:

**What + do/dose + فاعل + do + جمله ؟**

**Example** • What do you do today?

امروز چه کار می‌کنی؟

- What do Iranian do on weekends?

ایرانی‌ها در تعطیلات آخر هفته چه کار می‌کنند؟

- What dose Ali do on Fridays?

علی جمعه‌ها چه کار می‌کند؟

بخش ۳

# پاسخنامه

## Answers



پاسخنامه

## درس ۱

- nationality .۳      little .۲      cousin .۱  
 nationality .۶      this .۵      speak .۴  
 this .۹      little .۸      cousin .۷  
 speak .۱۰

۱۱. This is my cousin Fateme. این دخترخاله من فاطمه است.

۱۲. She speaks a little Persian. او کمی فارسی صحبت می‌کند.

- France .۱۵      - .۱۴      cousin .۱۳  
 England .۱۸      French .۱۷      English .۱۶  
 Persian .۱۹

۲۰. Persian: ایرانی، فارسی

۲۱. France: فرانسه

- France .۲۴      England .۲۳      Iran .۲۲  
 French .۲۷      English .۲۶      Persian .۲۵

۲۸. France: من اهل فرانسه هستم.

۲۹. French: من فرانسوی هستم.

۳۰. England: من اهل انگلستان هستم.

۳۱. English: من انگلیسی صحبت می‌کنم.

۳۲. too: همچنین

۳۳. live: زندگی کردن

b. ۳۶

a. ۳۵

c. ۳۴

۳۷. originally Persian ۳۸.
۳۹. French live ۴۰.
۴۱. My sister lives in France: خواهر من در فرانسه زندگی می‌کند.
۴۲. It is nice to meet you too: من هم از ملاقات با شما خوش وقتم.
۴۳. They live in England: آنها در انگلستان زندگی می‌کنند.
۴۴. speaks: او انگلیسی صحبت می‌کند.
۴۵. French: او انگلیسی و کمی فرانسوی صحبت می‌کند.
۴۶. meet: من هم از ملاقات با شما خوش وقتم.
۴۷. live: تام تو کجا زندگی می‌کنی؟
۴۸. France: من در فرانسه زندگی میکنم.
۴۹. originally: من اصالتاً اهل انگلستان هستم.
۵۰. welcome: به کشور ما خوش آمدی.
۵۱. how: تو ایران را چقدر دوست داری؟
۵۲. like: تو ایران را چقدر دوست داری؟
۵۳. Iran: ایران کشوری عالی است.
۵۴. گزینه «b»: آیا تو اهل آمریکا هستی؟
۵۵. Iran meet ۵۶.
۵۷. how ۵۸. like
۵۹. welcome Iranian ۶۰.
۶۱. love: دوست داشتن great: عالی
۶۲. like ۶۳. good ۶۴. nice ۶۵.
۶۶. This country is great: این کشور عالی است.

## درس ۶

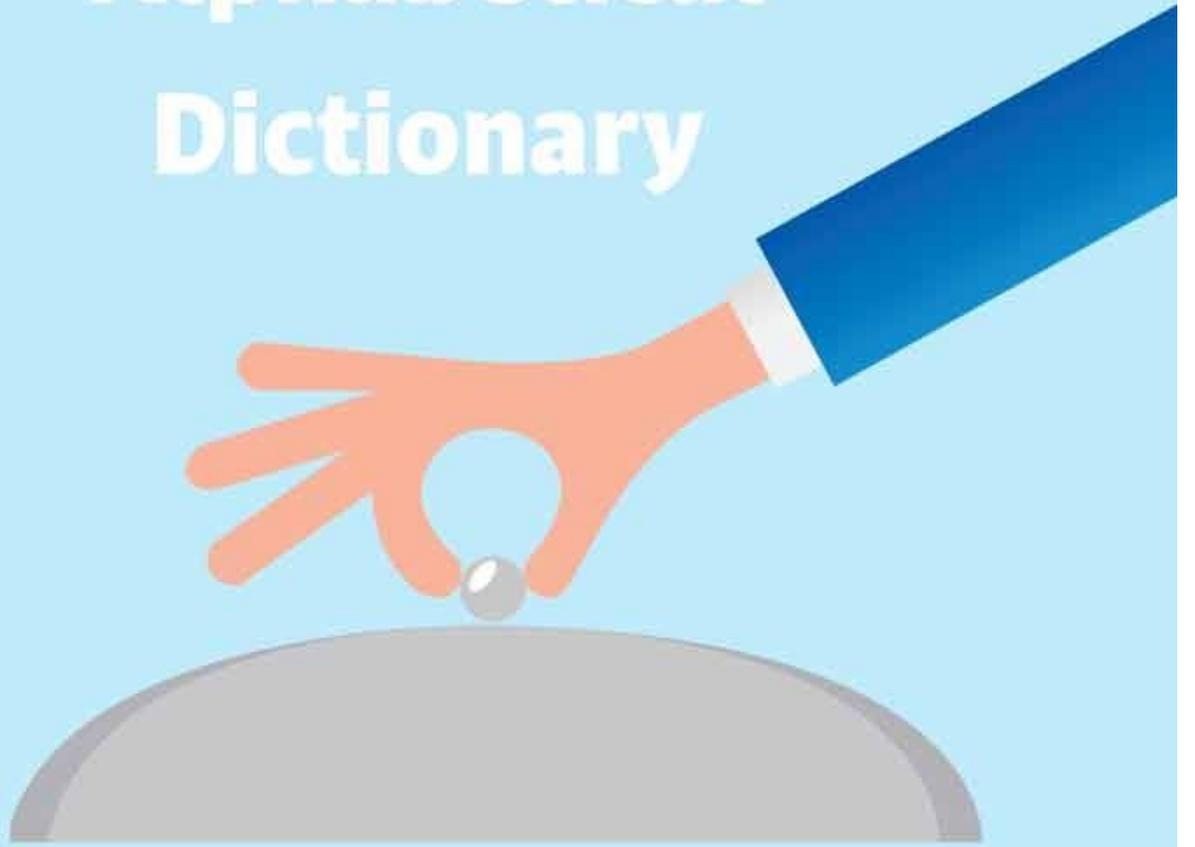


۱. where: کجا
۲. village: قزقلعه یک روستا است.
۳. near: آن نزدیک شهر خوی است.
۴. mountain: آن یک روستای کوهستانی است.
۵. village: قزقلعه یک روستا است.
۶. mountain: آن یک کوه است.
۷. a
۸. c
۹. b
۱۰. It is a village in west Azerbaijan.  
روستایی در آذربایجان غربی است.
۱۱. Where is she from? او اهل کجاست؟
۱۲. It is a village near the city of Khoy.  
روستایی در نزدیکی شهر خوی است.
۱۳. It is a mountain village with many trees and flowers.  
یک روستای کوهستانی با درختان و گل های زیادی است.
۱۴. It is famous for its sunflower fields.  
آن به دلیل دشت های گل آفتابگردانش معروف است.
۱۵. tree: درخت
۱۶. It's famous for its sunflower fields.  
آن به دلیل دشت های گل آفتابگردانش معروف است.
۱۷. raise
۱۸. field
۱۹. sunflower

بخش ۴

# واژه‌نامهٔ الفبایی

Alphabetical  
Dictionary



А а В в Г г Д д Е е Ж ж З з И и К к Л л М м

## واژه‌نامه الفبایی پایه هفتم و هشتم

<b>A</b>		All	همه
A lot of		All right	بسیار خوب
	تعداد زیادی ، مقدار زیادی	Ambulance	آمبولانس
a.m.	از ۱۲ نیمه شب تا ۱۲ ظهر	Animal	حیوان
Ability	توانایی	Another	دیگری ، دیگر
About	درباره	Any	هیچ
Act in movies		Appearance	ظاهر
	بازی کردن در فیلم‌ها	Apple	سیب
Activity	فعالیت	April	ماه آوریل
Actually	در واقع	Around	گرداگرد، اطراف
Address	آدرس	As	به عنوان
Advice	نصیحت	Asia	آسیا
Africa	آفریقا	Asian	آسیایی
African	آفریقایی	August	ماه اوت
Afternoon	عصر	Aunt	عمه، خاله، زن دایی، زن عمو
Again	دوباره	Australia	استرالیا
Age	سن	Australian	استرالیایی
Air	هوا		
Airport	فرودگاه		

<b>B</b>		<b>Black board</b>	تخته سیاه
<b>Back</b>	برگشت	<b>Blanket</b>	پتو
<b>Backache</b>	کمر درد	<b>Blue</b>	آبی
<b>Backpack</b>	کوله پشتی	<b>Book</b>	کتاب
<b>Bag</b>	کیف	<b>Bookstore</b>	کتابفروشی
<b>Baker</b>	نانوا	<b>Born</b>	متولد شده، زاییده
<b>Banana</b>	موز	<b>Boulevard</b>	بلوار
<b>Bank</b>	بانک	<b>Boy</b>	پسر
<b>Bathroom</b>	حمام	<b>Brazil</b>	برزیل
<b>Be going to</b>	قصد انجام کاری در آینده	<b>Brazilian</b>	برزیلی
<b>Be quiet</b>	ساکت باشید	<b>Bread</b>	نان
<b>Beautiful</b>	زیبا	<b>Bridge</b>	پل
<b>Bedroom</b>	اتاق خواب	<b>Bring</b>	آوردن
<b>Before</b>	قبل از	<b>Brother</b>	برادر
<b>Beginning</b>	آغاز	<b>Brown</b>	قهوه‌ای
<b>Belt</b>	کمر بند	<b>Browsing the internet</b>	گشت و گذار در اینترنت
<b>Bench</b>	نیمکت	<b>Building</b>	ساختمان
<b>Big</b>	بزرگ	<b>Bus</b>	اتوبوس
<b>Birth</b>	تولد	<b>Bus station</b>	ایستگاه اتوبوس
<b>Birthday</b>	روز تولد	<b>Busy</b>	مشغول
<b>Black</b>	سیاه	<b>Bye</b>	خداحافظ